

بسم الله الرحمن الرحيم

پیرامون نظریات حزب التحریر

(ترجمه)



پرسش

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

پرسش من از متن کتاب تکتل حزبی، صفحه ۲۰-چاپ ۱۹۸۵/۰۵/۰۹ م است، که در آن گفته شده است: «حزب تمام نواقص و اسبابی را که سبب ناکامی گروه‌هایی که جهت‌بیداری مسلمانان به پا خواسته بودند، درست درک کرده است.»

به نظر من در متن فوق اشتباهی وجود دارد، یعنی حزب صفت خطاء را از خود دور نموده، در حالی که عدم خطاء از صفات رب العالمین بوده، و هر مخلوق خطاء کننده است. و نیز در قسمت دیگری از متن این کتاب گفته شده است: «بلکه بر حزب واجب است که امت را تربیه نموده و همراه اش در حال حرکت باشد، زیرا که حزب در افکارش یگانه حزب ثابت و قایم است...»

این جا نیز در کلمه "یگانه"، غلطی را احساس می‌نمایم؛ پس در رابطه به این موضوع نظر شما چیست؟

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

در قدم نخست باید متذکر شوم که در مفهوم عبارت مذکور: «حزب تمام نواقص و اسبابی را که سبب ناکامی گروه‌هایی که جهت‌بیداری مسلمانان به پا خواسته بودند درست درک کرده است.»

برای شما ابهامی ایجاد شده است، زیرا حزب این مطلب را در تعریف، بعد از این که اسباب ناکامی حرکات را در کتاب تکتل ذکر نموده، گفته است: «پژوهشگرانی که در زمینه تحقیق نموده اند عوامل ناکامی این حرکات را از دیدگاه ساختار حزبی به چهار علت خلاصه کرده اند:

نخست: این حرکات بالای افکار عام و نامحدود، غامض (فهم نشده؛ مثلاً: ما استقلال می خواهیم...) و شبه غامض استوار بودند و بر علاوه آن، وضاحت پاکی و صفائی در افکار ایشان دیده نمی شد.

دوم: طریقهٔ تنفیذ افکار ایشان تعریف نشده بود و با وسائل آتی و نامشخص پیش می رفتند؛ علاوه از این که این وسائل پی چیده و مبهم بود.

سوم: این حرکات بالای اشخاصی که آگاهی کامل و ارادهٔ صحیح نداشتند، استوار بود. این اشخاص تنها آرزو، شوق و حماسهٔ تحرک و تغییر حالت بد موجود را داشتند.

چهارم: در میان اعضای این حرکات رابطهٔ صحیح وجود نداشت، آنان صرف به دلیل فعالیت در یک کتله، زیر نام ها و شعارها و فعالیت های گوناگون یک جا شده بودند.» (منبع: تکتل)

بعداً حزب بنابر سعی و تلاش و اجتهاد خود، این اسباب را درک نمود؛ پس خطاء در این قولش که گفته بود: «حزب تمام نواقص و اسباب آن را درک نموده است.» کجاست؟ و این که هر مخلوق خطاء می کند، و الله سبحانه و تعالی از هر نقص منزّه است؛ چه ارتباط با این سخن ما دارد؟

اکنون از شما می پرسم: اگر شما معلم یا مدرس باشید، برای شاگرد تان بعد از این که در جواب ارایه شده از آن نظر اندازی نموده باشی، بگویی "در جواب شما چنین و چنان نواقص وجود دارد، و آن ها را در چند حد معین؛ مثل: ۱، ۲، ۳... نشانی نمائی، و برایش بگویی آن ها را تکمیل نمایند! و آن شاگرد آن نواقص را اصلاح نموده دوباره به شما مراجعه نموده و بگوید استاد گرامی همه نواقص را درست نمودم، و این پاسخ جدید من است." پس آیا این شاگرد خود را به صفات رب العالمین توصیف نموده است؟!

ولیکن ملاحظهٔ دیگر شما پیرامون این عبارت که گفته شده: «بلکه بر حزب واجب است که امت را تربیه نموده و همراه او در حال حرکت باشد، زیرا که حزب در افکارش یگانه حزب ثابت و قایم می باشد...» قبل از وارد شدن به موضوع مورد بحث، این جا قسمتی از عبارت کتاب را که قبل از موضوع مورد بحث است نقل می کنم، و بعد آن عبارتی را که در پرسش مطرح نموده اید.

در قسمتی از عبارت کتاب چنین آمده است: «حزب فکرة و طریقه را از آن چه وحی الله سبحانه و تعالی و سنت رسولش صلی الله علیه و سلم است به صورت دقیق و فکری درک نموده است، و از آن چه که از رهنمائی اجماع صحابه و قیاس به دست می آید، و این ها (اجماع و قیاس) مصدر تفکیر حزب نبوده، بلکه موضوع فکرش می باشد تا این که این ها را طبق احکام اسلام تغییر دهد، و هم چنان حزب در حمل دعوت به طریقهٔ رسول الله صلی الله علیه

وسلم پابند می باشد؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت را از مکه آغاز نمود تا این که دولت اسلامی را در مدینه قایم نمودند، و حزب رابطه ای را که در بین افرادش قایم نموده همانا عقیده اسلامی و آن چه از افکار و احکام اسلام گرفته می شود، می باشد. بناً سزاوار برایش این است که امت را تربیت نموده و همراهش در حال حرکت باشد، بلکه برایش واجب است که امت را سر پرستی کرده و در حمل دعوت او را همراهی نماید، زیرا حزب یگانه حزب ثابت و قایم در افکارش بوده، در طریقه خود واضح و در مطلبش دقیق بوده، پابند به طریقه و سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بدون کدام تنزل از موقفش و بدون این که چیز دوم آن را از رسیدن به هدفش باز دارد، می باشد.»

شما نقد یا اعتراض بر این قول داشتید که گفته است: «... حزب، یگانه حزب ثابت و قایم در افکارش بوده، در طریقه خود واضح می باشد....» و نقدی بر کلمه "واحد" (یگانه) داشتید و آن را از صفات رب العالمین گفته بودید.

خواهر گرامی! این موضوع از هم جدا و مختلف است، حزب نمی گوید که در هر چیز یگانه حزب است، بلکه او فکرة و طریقه خود را طبق اصول صحیح، از ادله شرعی استنباط درست نموده است؛ پس در این صورت طبیعی است که بنابر این استنباط، در فکرش ثابت و قایم است. پس سخن از شخص نیست، بلکه از حزبی است که این فکرة و طریقه را تبیین کرده است، و هر کسی که این فکرة و طریقه را حمل نماید او از حزب محسوب می شود و بر او باورمند گردیده است. بنابر این او بر حزبی اعتماد نموده است که فکرة و طریقه اش را استنباط از سخنی کرده که آن یگانه و ثابت است، پس او کسی است که آن را استنباط و تدریس نموده و به آن عمل و از آن دفاع نموده است، در این صورت چه مشکل است که بگویند آن یگانه و ثابت در این فکرة است، و این چه ربطی دارد به وحدانیت الله یگانه (که او بی نیازی است که مثلش وجود ندارد)؟

و از الله سبحانه و تعالی استدعا می نمایم که هدایت کامل را نصیب نموده و سینه ات را به پذیرش خیر باز گرداند، بدون شک اوست هدایت کننده به راه راست.

برادر شما عطاء بن خلیل ابوالرشته

۲۲ رجب ۱۴۳۴ هـ.ق

۱ جون ۲۰۱۳ م